

کودتا با قدرت مردم و مقابله حزب کمونیست کارگری محکوم به شکست است

مصاحبه رادیو انترناسیونال با کورش مدرسی رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

درباره طرح کودتای رژیم اسلامی در ایران

سیاوش دانشور: اخیرا در ایران از جانب بخشی از جناح راست طرحی مطرح شده است که شامل اعلام اوضاع فوق‌العاده از طرف نظامیان است که از جمله پیشنهاد کرده اند که صدها نفر از مخالفین سیاسی باید دستگیر شوند، مجلس تعطیل شود و نهایتا نظامیان قدرت را بدست بگیرند. بنظر شما این چرا در شرایط کنونی مطرح شده و چقدر شانس موفقیت دارد؟

کورش مدرسی: چنین طرحی و چنین اقدامی، یعنی اعلام حکومت نظامی و کشیدن پای نظامیان به حکومت، همیشه یکی از راههایی بوده که برای مقابله با جنبش سرنگونی خواهی در مقابل سران جمهوری اسلامی قرار داشته و ما قبلا در این باره صحبت کرده‌ایم. گفته‌ایم که دست زدن به چنین اقدامی، بعنوان آخرین حربه برای نگاه داشتن جمهوری اسلامی، ممکن است. میتوانند ارتش و نیروهای نظامی را جلو بیندازند و شروع به بگیر و ببند کنند و بخواهند به عمر رژیم اضافه کنند و این مقطع را پشت سر بگذارند. کودتا، چه بطور علنی در باره آن صحبت کرده باشند یا نه، همیشه یکی از آلترناتیوهای مقابل سران جمهوری اسلامی بوده، به آن فکر کرده اند و حتما طرح هایشان را آماده کرده اند.

اما امروز وقتی این طرح به این شکل مطرح میشود نشانه آنست که دیگر حتی خود جمهوری اسلامی قبول کرده که به آخرین حلقه حیاتش رسیده، آخر کار است، به مقطع تعیین سرنوشت نهائی نزدیک شده ایم و جمهوری اسلامی باید تیر آخرش را شلیک کند. همانطور که گفتیم دست بردن به چنین اقدامی ممکن است، و بنظر من اصلا بعید نیست. فکر میکنند دیگر به این شکل حیات جمهوری اسلامی قابل ادامه نیست. میخواهند شانس آخرشان را آزمایش کنند.

سیاوش دانشور: چرا میخواهند نظامیان را جلو صحنه بکشند؟ منظورشان از نظامیان چیست؟ آیا این سپاه پاسداران را هم شامل میشود؟ جلو کشیدن نظامیان چه خاصیتی دارد؟ مگر نظامیان تاکنون در صحنه نبوده اند؟

کورش مدرسی: نظامیان به یک معنی در صحنه بوده اند و به یک معنی نبوده اند. من فکر نمیکنم اگر جمهوری اسلامی بخواهد این کار را بکند با سپاه پاسداران این کار را انجام دهد، حتی اگر این کار را هم بکند موقتی است و تداوم آن توسط این نهاد قابل انجام نیست. صورت مساله این است که مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند و سپاه پاسداران مستقیما و بلاواسطه جزئی از صورت مساله است. انجام چنین اقدامی از جانب سپاه پاسداران درست به این معنی است که خامنه ای کودتا کرده است. سپاه پاسداران جزئی از دستگاه دولتی است که به بن بست رسیده است. چند سال قبل تهدیداتش را کرد و بجائی نرسید. بعلاوه سپاه پاسداران هم در این متن از بالا تا پائین ترک خورده است، در مقابل مردم وحدت فرماندهی ندارد، اگر هم داشته باشد، صفوفش بهم ریخته است و امروز دیگر یک دستگاه منسجم گوش بفرمان که میداند چکار باید بکند، اشتها و ظرفیت ایفای چنین نقشی در مقابل مردم ندارد. جلو کشیدن این نیرو، که فی الحال در میدان است و فلج شده، آترا با موجی از نفرت و عکس‌عمل روبرو میکند که توان و طاقت ایستادگی در مقابل آترا ندارد. ممکن است بهر حال سپاه را جلو بیندازند، اما این یک کارت سوخته است. امروز نمیتواند این نقش را بازی کند. قدرت و استحکامش را ندارد. اینها عارضه های کلاسیک نظام در حال سرنگونی است. وحدتش را از دست داده، رهبر و فرمانده هرچه بگوید، اگر هم حتی بدانند و موافق باشند که چه باید گفت، نیروی عملی کردن آترا ندارند، صفوفش در مقابل تعرض متقابل مردم ظرفیت ایستادگی را ندارد. درنتیجه بنظر

میرسد که سپاه پاسداران ضعیفترین حلقه ایست که اینها میتوانند به میدان بکشند. با این تفصیل بنظر من وقتی اینها دارند از نیروهای نظامی حرف میزنند بیشتر توجهشان به ارتش است. ارتش تاکنون بصورت رسمی در این جدال شرکت نکرده و میتواند ادعا کند که بیطرف است. میتواند بعنوان یک نیروی دیگر وارد صحنه شود. اگر کودتا شکل کودتای یک جناح علیه جناح دیگر را بخود بگیرد هیچ منفذی برای خودشان باقی نخواهند گذاشت. هیچ شانس را نمیتوانند برای خود متصور شوند. اما من گمان نمیکنم که ارتش هم از چنین انسجام، قدرت و کارائی برخوردار باشد. بهر صورت چنین کودتائی قطعاً با عکس العمل مردم روبرو خواهد شد. صورت مساله جمهوری اسلامی این بوده که دیگر بساط بگیر و ببند و اختناق کامل جوابگو نیست. صفوف جمهوری اسلامی در مقابل این مساله شقه شد. منشا اختلاف در درون رژیم همین ناکارائی و مقابله مردم بود. اگر ارتش با یک پلاتفرم رژیم غیر مذهبی و یک حکومت نظامی دست راستی به میدان بیاید یک سناریو است، که ممکن است با حمایت کل جناح راست بورژوازی آن مملکت، اروپا و بویژه آمریکا، شاید و تنها شاید، شانس داشته باشد. اما اگر بخواید رژیم جمهوری اسلامی و ولایت فقیه را نجات دهد سناریو دیگری است که بنظر من هیچ شانس در مقابل مردم ندارد. بسرعت دستگاهش تجزیه میشود و کنترل اوضاع را از دست میدهند. ارتش را به خیابانها میکشند اما مملکت آنقدر وسیع است و ناراضیاتی آنقدر بالا است که قدرت کنترل آنها ندارند. حداکثر چند شهر را میتوانند کنترل کنند. شیرازه امور بنظر من بسرعت میپاشد. ممکن است این کار را بکنند. رژیمی که دارد میرود ممکن است هرکاری بکند. اما شانس حتی میان مدتی را ندارند. مردم برمیگردند، مقابله میکنند. اگر اعتراض مردم را به خشونت کامل بکشند، قیام علیه حکومت را بعنوان تنها راه رسمیت خواهند داد.

سیاوش دانشور: یکی از نکاتی که در این طرح برجسته است شروع فوری مذاکره با آمریکا بعد از تعطیل مجلس است. این اقدام با توجه به اینکه در متن بحث حمله آمریکا به عراق مطرح میشود، چه نقشی را دارد؟ کورش مدرسی: اگر آمریکا به عراق حمله کند جمهوری اسلامی در مقابل یک مساله جدی دیگری قرار میگیرد. بنظر من تحلیل گرانی که فکر میکنند با سرنگونی رژیم بعث توسط آمریکا موقعیت جمهوری اسلامی تقویت میشود اشتباه میکنند. به این دلیل که جمهوری اسلامی آمریکا را نماینده ارزش های غرب معرفی کرده، هرکس را بخواند دستگیر کنند او را به ارتباط فکری، فرهنگی و سیاسی با آن متهم میکنند، و کلاً فضای جامعه را طوری کرده اند که هر قدم پیشروی آمریکا معنی شکست جمهوری اسلامی معنی میشود. چنین نیروئی، آمریکا، با حمله به عراق به پشت درهای ایران میرسد. نزدیک قصر شیرین، آبادان و اهواز و کل جنوب و غرب ایران مستقر میشود. این واقعیت، آمریکا هر سیاستی داشته باشد، موقعیت جمهوری اسلامی را تضعیف میکند. درست مثل ماجرای افغانستان که این کار را کرد، این بار وسیعتر و عمیقتر این کار را میکند و در مقابل مردم جمهوری اسلامی را در موقعیت تدافعی تری قرار میدهد. این البته فقط یک بعد از نتایج حمله آمریکا به عراق است، درباره ابعاد مختلف آن و پیامدهای آن برای مردم عراق و منطقه باید در فرصت دیگری بررسی کرد و حرف زد.

اما طرح ارتباط با آمریکا در نقشه کودتا هدفش از یک طرف خنثی کردن آمریکا است و از طرف دیگر به مردم بگوید که خودمان با آمریکا ارتباط میگیریم و دریچه امیدی برای تغییر را در مقابل مردم باز نگاه دارد. دو خرداد شکست خورد مهم نیست. خود آقا یا ارتش میخواهد این نقش را برعهده بگیرد. اما این موقعیت دو طرف دارد. طرف دیگر مردم هستند. مساله این نیست که جمهوری اسلامی با آمریکا رابطه دارد یا نه. مساله این است که جامعه ایران هیچ مبنائی برای بازسازی خود در چارچوب جمهوری اسلامی ندارد. جامعه نمیتواند در هیچ شکلی آینده امید بخشی را در قالب جمهوری اسلامی تصور کند. در نتیجه از تماس با آمریکا ممکن است استفاده کنند تا فشار آمریکا و دولت های غربی را خنثی کنند و بیش از هر چیز فشار مردم برای شکستن فضای تنگ و سیاه اسلامی را

کاهش دهند. اما بعید میدانم که این کار ساز باشد و بتواند چیز زیادی را عوض کند.

سیاوش دانشور: اگر چنین اتفاقی در ایران بیفتد و وضعیت فوق العاده اعلام شود این برای مردم ایران به چه معنی است و در چنین شرایطی سیاست حزب کمونیست کارگری چه خواهد بود؟

کوروش مدرسی: انجام کودتا تلاشی است برای تثبیت و تقویت جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یک دوره دیگر تلاش میکند که با اختناق سیاه، با بگیر و ببند کامل خود را سرپا نگاه دارد. اینکه میگویند لیست چند صد نفره دستگیر شدگان کودتا را هم تهیه کرده اند، نقشه دستگیری دوستان دوم خردادیشان است. جزء مکمل این نقشه که اعلام نشده است سر به نیست کردن بقیه فعالین سیاسی و جنبش کارگری و جوانان و غیره و بطور کلی رهبران مردم است که علیه جمهوری اسلامی هستند. کودتا برای اعمال یک فضای ارباب است. دوستانشان را میگیرند بقیه را تلاش خواهند کرد سر به نیست کنند. با زندانی کردن آقای حجاریان چنین محیط اربابی بوجود نمی آید. میخواهند جو ارباب را دامن بزنند، نگذارند کارگر اعتراض کند، اجازه ندهند زن حقش را بخواهد، نگذارند کسی آزادی بخواهد، هیچ گونه تشکلی وجود نداشته باشد، دانشگاهها سوت و کور شوند و غیره. صورت مساله جمهوری اسلامی دو خرداد نیست. صورت مساله مردم هستند. این کودتا حتی اگر روکار و نمای آن علیه دو خرداد باشد واقعیتش علیه مردم و فعالین سیاسی و رهبران ضد رژیم است. میخواهند مردم را مرعوب و از میدان بدر کنند. بنظر من اتفاقا طبقه کارگری که امروز برای زندگی به اعتراض علیه جمهوری اسلامی کشیده شده و وجودش در میدان بیش از هرچیز جمهوری اسلامی را از تعادل خارج میکند یکی از عرصه های اصلی تعرض چنین کودتائی خواهد بود.

مردم قطعا با این کودتا مقابله خواهند کرد. حزب کمونیست کارگری ایران با همه قدرت یک مقابله جانانه و همه جانبه را سازمان خواهد داد و در راس مردم چنین کودتائی را درهم خواهد شکست. رژیم صفوفش بهم ریخته است و جز مشتی گله حزب الله و چاقوکش کسی حاضر به فدای خود برای رژیم نیست. حزب کمونیست کارگری ایران و مردم اینها را جارو خواهند کرد. در نتیجه باید در مقابل چنین وضعی بسرعت موج مقابله به مثل مردم را سازمان داد و اینها را متواری کرد و سیستم جمهوری اسلامی را یک بار برای همیشه به زیر کشید. حزب کمونیست کارگری ایران اجازه نخواهد داد اینها بار دیگر محیط سیاسی ایران را به خون بکشند. سالهای ۶۱-۶۷ گذشته. جمهوری اسلامی توان و نای تکرار آنرا ندارد. مردم اجازه نمیدهند. فعالین سیاسی و رهبران کارگری و بویژه فعالین حزب کمونیست کارگری آماده مقابله خواهند بود. ما باید این را تضمین کنیم. همانطور که گفتم حزب کمونیست کارگری یک مقابله همه جانبه را سازمان خواهد داد و سعی خواهد کرد که هر جا که ممکن است کنترل اوضاع را از دست رژیم خارج کند و بدست مردم بسپارد. این میتواند از تهران شروع شود میتواند از مشهد و یا اصفهان و شیراز یا آبادان و یا کردستان شروع شود. میتواند از هر جا شروع شود. بخصوص باید توجه کرد که اگر اولین حرکت چنین کودتائی با مقابله قاطع مردم روبرو شود جمهوری اسلامی و نیروهایش بسرعت متواری میشوند. جمهوری اسلامی سقوط میکند. حزب کمونیست کارگری تلاش خواهد کرد که ابتکار این کار را بدست بگیرد.